

Reflecting the Reasons and Motivations of Iraq for Attacking Iran Based on the Contents of the Enghelabe Eslami Newspaper

Elham Rajaie*

Hojjat Fallah Tootkar**

Abstract

The reasons and motivations of the Iraq government to attack Iran as a research topic have been studied by many researchers and political and historical researchers, and various views have been presented in this regard. In the meantime, the Enghelabe Eslami newspaper, which was published by Abul Hassan Bani Sadr and his like-minded people at the beginning of the victory of the Islamic Revolution, has also paid attention to this issue, and the origins of the war have also been considered from the perspective of this newspaper. This research focuses on this issue and tries to answer the question in this regard, what reasons did the Enghelabe Eslami newspaper pay attention to as the roots of the Iran-Iraq war?

The hypothesis of the research is that Enghelabe Eslami newspaper is a projection of the American and Israel conspiracies on the one hand and the goals and desires of Saddam Hussein and the Baath party to destroy the Iranian revolution, in order to deal with internal challenges and... The main reasons for the war have been pointed out. The authors will answer this question by using analytical-descriptive method.

Keywords: Iran-Iraq War, Enghelabe Eslami Newspaper, Abul Hassan Bani Sadr, America, Israel.

* Ph.D. student in Islamic Revolution History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
(Corresponding Author), e.rajaee00@gmail.com

** Associate Professor of Imam khomeini Internal university, Qazvin, Iran.h.fallah1347@gmail.com

Date received: 25/08/2023, Date of acceptance: 02/10/2023



بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله به ایران بر بنیاد مندرجات روزنامه/انقلاب/اسلامی

الهام رجایی*

حجت فلاح توتکار**

چکیده

دلایل و انگیزه‌های دولت عراق از حمله به ایران به عنوان یک موضوع پژوهشی موردتوجه و بررسی بسیاری از پژوهش‌گران و محققان سیاسی و تاریخی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی نیز در این خصوص ارائه شده است. در این میان، روزنامه/انقلاب/اسلامی، که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به وسیله ابوالحسن بنی‌صدر و هم‌فکران وی انتشار می‌یافت، نیز این مسئله را موردتوجه قرار داده و ریشه‌های وقوع جنگ از منظر این روزنامه نیز مدنظر قرار گرفته است. این پژوهش بر این مسئله تمرکز دارد و تلاش می‌کند که در این خصوص به این سؤال پاسخ دهد که روزنامه/انقلاب/اسلامی چه دلایلی را به عنوان ریشه‌های جنگ ایران و عراق موردتوجه قرار داده است؟

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق، روزنامه/انقلاب/اسلامی، ابوالحسن بنی‌صدر، آمریکا، اسرائیل.

۱. مقدمه

جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین و هولناک‌ترین جنگ‌های معاصر به حساب می‌آید که از منظر آسیب‌های انسانی و طبیعی به عنوان یک بحران اجتماعی مدرن شناخته می‌شود و

* دانشجوی دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)،
e.rajaee00@gmail.com

** دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران، h.fallah1347@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰



تلفات آن برای هر دو طرف قابل توجه و زیان بار بود. این جنگ، که از سوی دولت عراق آغاز گردید و به مدت هشت سال ادامه یافت، از دلایل مختلفی نشئت می گرفت که بسیاری از پژوهشگران آن را مورد بحث و بررسی قرار داده اند. جنگ ایران و عراق به عنوان یک پدیده و بحران بین المللی بازتاب گسترده ای در رسانه ها و مجامع بین المللی و داخلی نیز داشته است و به همین دلیل بسیاری از روزنامه ها و خبرگزاری ها مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق را در طول جنگ و بعد از وقوع آن پوشش می دادند و تحلیل ها و ارزیابی های مختلفی را در مورد ادعای ارضی و تحرکات عراق و تحولات جنگ بیان می داشتند. در این زمان، روزنامه / انقلاب اسلامی نیز از جمله رسانه های ارتباطی بود که هم پیش از آغاز جنگ و هم در دوران شکل گیری جنگ اخبار و مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق را پوشش می داد و تلاش داشت که به دلایل و انگیزه های عراق از حمله به ایران اشاره کند و آن را بازتاب دهد. این مسئله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است. نویسندگان تلاش دارند که علل اصلی حمله عراق به ایران را از منظر روزنامه / انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهند، چراکه روزنامه مذکور تحت مدیریت و صاحب امتیازی سید ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور و فرمان ده کل قوا قرار داشت که در آن زمان، نماینده یک جناح فکری خاص نیز به شمار می رفت. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش این است که روزنامه / انقلاب اسلامی چه دلایلی را به عنوان ریشه های جنگ ایران و عراق مورد توجه قرار داده است؟ فرضیه تحقیق این است که روزنامه / انقلاب اسلامی به توطئه های آمریکا و اسرائیل از یک سو و اهداف و خواسته های صدام حسین و حزب بعث مبنی بر نابودی انقلاب ایران از سویی دیگر به مقابله با حکومت ایران پرداخت که آن ها را نیز به عنوان دلایل اصلی جنگ بیان داشته است. نویسندگان به منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده اند. سازمان دهی این نوشتار نیز مبتنی بر بررسی پیشینه جنگ ایران و عراق، تشریح روزنامه / انقلاب اسلامی، و در نهایت دلایل حمله عراق به ایران از منظر روزنامه / انقلاب اسلامی است.

درباره دیدگاه های روزنامه / انقلاب اسلامی درباره جنگ ایران و عراق تاکنون هیچ گونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و از این منظر می توان آن را یک نوآوری به حساب آورد. با این حال، باید یادآور شد که درباره این روزنامه تنها کتابی تحت عنوان روزنامه / انقلاب اسلامی در مسیر تاریخ تألیف محمد جعفری به چاپ رسیده است که نویسنده در بخش نخست آن به مقدمات شکل گیری روزنامه و تاریخچه آن پرداخته و بخش دوم نیز شامل سرمقاله هایی است که خود آن را در روزنامه به چاپ رسانده است (جعفری ۱۳۸۹: ۲).

۲. جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق به کشمکش و منازعه هشت ساله بین دولت ایران و عراق اشاره دارد که از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ / ۲۰ اوت ۱۹۸۸ به پایان رسید؛ اگرچه درمورد آغاز جنگ اختلاف دیدگاه وجود دارد. به گفته دولت عراق، درگیری در ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ / ۴ سپتامبر ۱۹۸۰ و زمانی آغاز شد که نیروهای ایرانی شهرها و روستاهای عراق را در امتداد منطقه مرزی میانی دو کشور گلوله باران کردند، اما طبق ادعای ایران و اکثر ناظران عراق متجاوز بود (Swearingen 1988: 504)، زیرا طبق اسناد و مدارک موجود عراق برای نخستین بار در ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ / ۲ آوریل ۱۹۷۹ م گمرک بهرام‌آباد واقع در مهران را مورد حمله هوایی قرار داد و روز بعد نیز به قصر شیرین حمله کرد (کارنامه توصیفی هشت سال دفاع مقدس ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱).

در نهایت، جنگ رسماً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ م، یعنی زمانی که نیروهای عراقی تهاجم تمام‌عیار به ایران را آغاز کردند، شروع شد. در ابتدا، دولت عراق توانست بخشی از مناطق استراتژیک ایران از جمله خرمشهر را تحت تصرف خود درآورد، اما این تصرف چندان دوامی نداشت و به زودی ورق منازعه به نفع ایران برگشت و نیروهای ایران ابتدا طی عملیات «بیت المقدس» و «فتح المبین» توانستند ضربات مهلکی را به نیروهای عراقی وارد سازند و در نهایت در خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر را آزاد کنند. این جنگ هیچ برنده نهایی و قاطعی نداشت و پس از گذشت هشت سال و به موجب قرارداد الجزایر و قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد پایان یافت (برزگر ۱۳۹۷: ۲).

جنگ ایران و عراق یکی از مخرب‌ترین درگیری‌های اواخر قرن بیستم بود که اگرچه تعداد کل جنگ‌جویان هر دو طرف مشخص نیست، نیروهای هر دو کشور کاملاً بسیج شده و در برابر یک‌دیگر صف‌آرایی کرده بودند. تعداد تلفات جنگ نیز بسیار زیاد بود و برآورد شده است که تعداد کشته‌شدگان از هر دو طرف در مجموع یک میلیون یا حتی دو برابر این تعداد بوده است (Iran-Iraq War 2022).

۳. تأسیس روزنامه انقلاب اسلامی

ریشه شکل‌گیری روزنامه انقلاب اسلامی به تلاش‌های ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران، و هم‌فکران او جهت ایجاد یک روزنامه یا مجله مستقل در کشور به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد. اعضای اصلی این روزنامه، که در تأسیس آن نقش داشتند، پیش‌تر در فرانسه

در قالب فعالیت‌های سیاسی به‌خصوص در چهارچوب گروه «هسته امام» با تفکرات و نگرش‌های سیاسی-اجتماعی با یک‌دیگر آشنا شدند (جعفری ۱۳۸۳: ۳۵۵) و درصدد ارائه تفسیر معتدل‌تری از دین بودند که در قالب آن اصل آزادی بشر مدنظر قرار گیرد و زمینه برای تشکیل نظام سیاسی دموکراتیک (democratic) نیز فراهم گردد (احمدی ۱۳۸۰: ۵۶-۵۷). بنابراین، از منظر مؤسسان روزنامه، حفظ و حراست از آزادی و استقلال و تأمین حقوق فردی و اجتماعی در فضای سیاسی کشور مستلزم داشتن یک روزنامه مستقل بود (جعفری ۱۳۸۹: ۳۲). در همین جهت، روزنامه انقلاب اسلامی در شماره نخست خود ضمن تأکید بر اهمیت آزادی بیان این‌گونه اظهار کرده است: «فکر ایجاد این روزنامه در جریان انقلاب پیدا شده و به‌عمل درآمده است» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۱). بر این اساس، پس از وقوع انقلاب اسلامی و بازترشدن فضای سیاسی در ایران زمینه برای تحقق چنین ایده‌ای فراهم گشت و با تلاش‌هایی که از جانب بنی‌صدر و اطرافیانش صورت پذیرفت اولین شماره روزنامه انقلاب اسلامی به‌مدیریت وی و سردبیری علیرضا نوبری در روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸/۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ م و در دوازده صفحه منتشر شد (همان: ۱-۲؛ جعفری ۱۳۸۹: ۳۲-۳۴).

در آن زمان، بنی‌صدر عضو شورای انقلاب اسلامی بود و هیچ سمت دیگری را در دولت موقت نپذیرفته بود و لذا تا زمان کسب پست ریاست‌جمهوری، خود مدیریت نشریه را برعهده داشت. اما پس از رسیدن وی به مقام ریاست‌جمهوری، محمد جعفری مدیر مسئول جدید و سیدجمال‌الدین موسوی نیز به‌عنوان سردبیر انتخاب شدند. درمورد نام روزنامه گزینه‌های مختلفی از جانب مؤسسان آن پیش‌نهاد شد که از بین تمامی این عناوین که شامل توحید، انقلاب اسلامی، طلوع فجر، عدالت، آزادی، رسالت، و ... بود ابتدا نام‌های توحید، انقلاب اسلامی، و رسالت انتخاب گردید و سپس بنی‌صدر در دیداری که با امام خمینی داشت جهت احترام به وی این سه اسم را به او پیش‌نهاد داد که امام خمینی عنوان «انقلاب اسلامی» را برگزید (جعفری [بی‌تا]).

بودجه اولیه این روزنامه نیز با کمک مردم جمع‌آوری شد و طی جلساتی که با برخی از تجار صورت پذیرفت قرار بر این شد که با مجوز امام خمینی جهت تأمین بودجه روزنامه از تجار به‌عنوان سهم امام کمک گرفته شود. لذا تجار می‌توانستند از ۱/۳ سهم امام، به تأسیس روزنامه کمک کنند (جعفری ۱۳۸۹: ۳۲-۳۴). اعضا و کارکنان روزنامه نیز بیش از آن‌که به فکر منافع مادی خود باشند، در جهت رسالت انقلابی و آزادی‌خواهانه خود با روزنامه همکاری می‌کردند (جعفری [بی‌تا]).

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۸۹

باتوجه به مشکلات موجود از جمله هزینه کارکنان روزنامه و همچنین چاپ و فروش آن روزنامه انقلاب اسلامی در آغاز فعالیت خود هشتاد هزار تیراژ داشت، اما از اواخر زمستان ۱۳۵۸/مارس ۱۹۸۰ م و اوایل سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰ م تیراژ روزنامه افزایش یافت و از شهریور ۱۳۵۹/اوت ۱۹۸۰ م به بعد تیراژ آن به سرعت سیر تصاعدی پیدا کرد و به ۱۲۰، ۱۸۰، ۲۰۰، ۳۲۰، ۴۰۰ و ۴۵۰ هزار رسید (همان). افزایش تیراژ روزنامه به مرور زمان آن را به یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌های اوان انقلاب اسلامی ایران تبدیل کرده بود. این درحالی است که در فضای انقلابی آن زمان نمی‌توانست جایگاه فکری برجسته‌ای در میان نشریات کسب کند، چراکه مبانی فکری حامیان بنی‌صدر برای گروه‌های تندرو مذهبی آن زمان قابل‌پذیرش نبود و محلی از اعراب نداشت.

در واقع، روزنامه انقلاب اسلامی در طول عمر کوتاهش نگرش‌ها و دیدگاه‌های بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت و دیگر دوستان وی را انتشار می‌داد و بیان‌گر موضع معتدلانه و مبتنی بر اصل موازنه منفی (negative balance) گردانندگان آن نسبت به حوادث و جریان‌ات انقلاب بود. به همین دلیل، گروه‌های تندرو مذهبی از همان اوایل تأسیس با سیاست‌ها و مواضع داخلی و خارجی این روزنامه مخالف بوده و آن را نماینده گروه‌های لیبرال (Liberal) قلمداد می‌کردند.

بعد از شکست نیروهای مخالف بنی‌صدر در انتخابات ریاست‌جمهوری، تلاش‌های زیادی از سوی آن‌ها در جهت تضعیف رئیس‌جمهور صورت گرفت که از جمله اقدامات آن‌ها اعمال فشار بر برخی مطبوعات و تشکل‌هایی بود که پیرو مواضع بنی‌صدر بودند. بنابراین، چند روز پیش از عزل رئیس‌جمهور، روزنامه انقلاب اسلامی به عنوان اصلی‌ترین رسانه هم‌سو با بنی‌صدر به همراه «دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور»، که تنها وسیله ارتباطی رئیس‌جمهور با مردم بودند، توقیف شد (بنی‌صدر ۱۳۶۰: ۴۴-۴۵).

محمد جعفری دومین مدیرمسئول روزنامه انقلاب اسلامی درمورد مخالفت گروه‌های تندرو با مواضع و سیاست‌های روزنامه انقلاب اسلامی و حامیان ابوالحسن بنی‌صدر اظهار می‌دارد که از نیمه دوم سال ۱۳۵۹، به علت انتقادات از عملکرد و اقدامات خلاف قانون ارگان‌هایی نظیر کمیته‌ها، سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، و جهاد سازندگی مورد خطاب پیام‌های امام خمینی مبنی بر ابراز مخالفت ایشان نسبت به موضع‌گیری‌های روزنامه انقلاب اسلامی قرار گرفتند. این مخالفت‌ها به رویارویی شدیدتر این دو جناح با یک‌دیگر منجر شد (جعفری [بی‌تا]؛ بنی‌صدر ۱۳۶۰: ۴۴-۴۶). همین مسائل باعث شد که در نهایت هیئت سه‌نفره‌ای که از محمدرضا

مهدوی کنی به نمایندگی از سوی امام خمینی، محمد یزدی به نمایندگی از رؤسای دیوان عالی کشور و مجلس شورای اسلامی و نخست‌وزیر، و شهاب‌الدین اشراقی به نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور جهت حل اختلاف موجود میان سران قوای مملکتی تشکیل شده بود دیدگاه نهایی خود را مبنی بر تعارض روزنامه *انقلاب اسلامی* با مبانی اسلام و انقلاب اعلام دارند. بنابر اعلام هیئت سه‌نفره حل اختلاف «نشر مقالات تشنج‌زا و مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی جامعه نوپا و انقلابی مردم مسلمان ایران به‌ویژه در زمان جنگ» به‌عنوان عامل اصلی توقیف این روزنامه بیان شد. در آن زمان، دستور توقیف هفت نشریه به‌دستور آیت‌الله بهشتی و با امضای اسدالله لاجوردی صادر شد. روز ۱۷ خرداد ۱۳۶۰ لاجوردی، دادستان انقلاب اسلامی مرکز، طی اطلاعیه‌ای خبر توقیف این نشریات را، که روزنامه *انقلاب اسلامی* نیز جزو آن بود، تأیید کرد. با اعلام این خبر، در ۱۸ خرداد روزنامه باز هم با تیتر «روزنامه *انقلاب اسلامی* توقیف شد» منتشر شد که پس‌از آن، با حکم دادستان، چاپ‌خانه آن توقیف و تیراژهای روزنامه نیز جمع‌آوری گردید. بعداز آن، بنی‌صدر طی اطلاعیه‌ای این اقدام را به‌معنای حذف ریاست‌جمهوری توسط غول استبداد و تحمیل حاکمیت انحصاری توسط امام و سایر ارکان نظام و حزب جمهوری اسلامی عنوان کرد (بنی‌صدر ۱۳۸۵: ۲۴۲-۲۴۳). در پی شدت یافتن درگیری‌ها و اختلاف‌نظرهای میان رئیس‌جمهور با حزب جمهوری اسلامی، امام خمینی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ بنی‌صدر را از فرمان‌دهی کل قوا عزل کرد (صحیفه امام ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۴۲۰). بنی‌صدر در واکنش به آن طی نامه‌ای به امام ایشان را به پای‌بندی در اجرای قانون اساسی، احترام به آرای مردم در انتخاب رئیس‌جمهور، و خودداری از زبان تهدید فراخواند (بنی‌صدر ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۶). بعداز آن، نمایندگان مجلس طرح دوفوریتی عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را در مجلس تصویب کردند (مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی ۱۳۶۰/۳/۲۶: ۲۰). سپس، تظاهرات و درگیری‌های خیابانی طرف‌داران بنی‌صدر در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ رخ داد. امام خمینی نیز در ۱ تیر ۱۳۶۰ بنی‌صدر را از ریاست‌جمهوری عزل کرد (مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی ۱۳۶۰/۳/۳۱: ۴۳). بنی‌صدر در ۶ مرداد همان سال به‌همراه جمعی از اعضای مجاهدین خلق مخفیانه از کشور خارج شد و از این پس روزنامه *انقلاب اسلامی* در خارج از کشور با عنوان روزنامه *انقلاب اسلامی* در هجرت انتشار یافت (جعفری [بی‌تا]: بنی‌صدر ۱۳۸۰: ۱۹۳) که از آن زمان تاکنون جزو رسانه‌های منتقد حکومت ایران محسوب می‌شود و به‌خصوص در دوران جنگ ایران و عراق نیز مقالاتی در انتقاد به مدیریت جنگ و سران جمهوری اسلامی منتشر می‌کرد.

۴. جناح فکری روزنامه/انقلاب/اسلامی

دست‌اندرکاران اصلی روزنامه/انقلاب/اسلامی را تحصیل‌کردگان اروپا، که اغلب در فرانسه مشغول تحصیل بودند، تشکیل می‌دادند. به همین خاطر، از منظر فکری دارای اتفاق نظر بودند. این گروه با تعبیر خاص خود از اسلام تلاش داشتند که مفاهیم استقلال و آزادی را در جامعه ایرانی و در قالب انقلاب ۱۳۵۷ تحقق بخشند و اصل موازنه منفی را نیز اساس کار خود در سیاست خارجی قرار دهند. از این رو، روزنامه/انقلاب/اسلامی رسالت و اهداف خاصی را برای خود در نظر گرفته بود که با بسیاری دیگر از روزنامه‌های آن زمان از جمله روزنامه جمهوری اسلامی، که از طرف وابستگان به حزب جمهوری اسلامی منتشر می‌شد، تفاوت داشت. اهداف اصلی و مورد قبول دست‌اندرکاران روزنامه انقلاب اسلامی بنابر اساس نامه عبارت بود از:

۱. سامان و سازمان دادن مبارزه آزادی خواهان و استقلال طلبان در مقابل استبدادگرایان و انحصارطلبان؛

۲. تحقق بخشیدن و جانداختن بحث آزاد به منظور دستیابی به حل مسائل کشور و حذف اسلحه و قدرت برای ارائه راه حل مسائل کشور؛

۳. جریان آزاد اندیشه و اطلاعات و انتشار نظرها و دیدگاه‌های صاحب نظران؛

۴. حفظ و حراست از منزلت، حرمت، و شرافت انسان‌ها از دست برد انحصارگران و دفاع از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی؛

۵. عرضه دین به عنوان بیان آزادی و آزادی بخشی و مبراکردن آن از بیان قدرت؛

۶. نشان دادن کاربرد سیاست موازنه منفی (عدمی) در ابعاد مختلف آن به منظور تنها روش دستیابی به آزادی و استقلال چه در عرصه کشور و چه در عرصه فردی و اجتماعی و یا به عبارت ساده تر نه زیر بار ظلم رفتن و نه ظالم بودن نسبت به خودی و بیگانه؛

۷. مطرح کردن آزادی و استقلال به عنوان دو روی یک سکه، در ابعاد گوناگون آن و به دست دادن ضابطه و معیار برای سنجش آن و تشخیص سره از ناسره و حفظ آن از دست برد انحصارگرایان و مستبدان (جعفری ۱۳۸۸: ۱۴۱).

۵. انگیزه‌ها و دلایل عراق از حمله به ایران

در مورد دلایل و انگیزه‌های دولت عراق از حمله به ایران دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که باین حال نمی‌توان به یک یا چند دلیل کلی بسنده کرد، زیرا عوامل مختلف در زمان‌های

خاص تاریخی در شروع جنگ‌ها اثرگذارند و از این رو نمی‌توان همواره به یک یا چند عامل خاص برای شروع جنگ تأکید ورزید، زیرا با فراهم شدن این زمینه‌ها در برهه‌های دیگر شاید جنگی اتفاق نیفتد. بنابراین، می‌توان گفت زمان وقوع جنگ‌ها با درکنارهم قرار گرفتن یک سری عوامل و شرایطی است که شاید غیرقابل تکرار باشند. با این تفاسیر، درباره آغاز جنگ ایران و عراق نیز همواره از ابتدای شروع آن، دلایلی مطرح شده است که برخی از آن‌ها بعدها از سوی مفسران و پژوهش‌گران مورد قبول و برخی نیز رد و در اکثر مواقع با درکنارهم قرار گرفتن آن‌ها، به دلایل کامل تر و منطقی تری منتج شده‌اند.

در ذکر دلایل کلی آغاز این منازعه، پیش از هرچیز باید به گسترش نهضت‌های ملی‌گرایانه در کشورهای عربی-اسلامی اشاره کرد که صدام حسین ادامه حکومت خود را با گسترش آزادی‌خواهی در بین مردم عراق در مخاطره می‌دید؛ لذا، بعد از مشورت با دولت عربستان و اردن، طرحی را برای کنترل و مهار انقلاب ایران مطرح کرد که طبق آن، صدام می‌توانست به عنوان ژاندارم آمریکا، خلأ قدرت منطقه‌ای را پر کند. دولت آمریکا بعد از پیروزی انقلاب ایران اقداماتی از جمله حمایت از گروه‌های طرفدار غرب، حمایت از جنبش‌های جدایی طلب، اجرای طرح کودتا، و نهایتاً حمله نظامی مستقیم را، که همگی با اهداف عراق هم‌سو بود، در جهت مهار انقلاب ایران برنامه‌ریزی و یا پیاده کرده بود (رئیس طوسی ۱۳۷۳: ۲۹).

در تیر ۱۳۵۹، صدام دیدار محرمانه با برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر، در اردن داشت. در این ملاقات، برژینسکی رضایت دولت آمریکا از حمله عراق به ایران را به صدام القا کرد (همان). بعدها مجله فیگارو پس از سفر طارق عزیز به فرانسه در گزارشی نوشت که در ملاقات برژینسکی و صدام، آمریکا قول حمایت همه‌جانبه به صدام داده است و به برقراری یک جمهوری عربی یعنی تجزیه خوزستان نیز مخالفتی نخواهد داشت (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۷ آذر ۱۳۵۹: ۱). با روی کار آمدن دونالد ریگان، حمایت آمریکا از عراق بیش از پیش شد و اعلام شد که به منظور جلوگیری از روی کار آمدن یک دولت شیعه در عراق و دیگر کشورهای منطقه، بیش‌ترین تلاش برای تقویت رژیم‌های دوست انجام خواهد گرفت. پیرو آن، حجم زیادی سلاح و تجهیزات نظامی به عراق سرازیر شد (Washington Post 5 October 1980).

با آغاز حمله عراق، بنی‌صدر در ۱ شهریور ۱۳۵۹ پیامی خطاب به مردم عراق، مسلمانان جهان، و نیروهای ارتش ایران صادر کرد که در آن، به تمایل ایران به جلوگیری از بروز جنگ میان دو کشور و انتشار مطالبی خلاف واقع از سوی رژیم بعث عراق مبنی بر حمله ایران به آن کشور اشاره کرد. وی صدام را «دست‌یار آمریکای سلطه‌گر» و «مقلد موشه دایان» وزیر خارجه

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۹۳

اسرائیل دانست. بنی‌صدر، در پایان، ارتشیان را به مقابله با دشمن فراخواند تا «بدون تزلزل و دغدغه خاطر از جمهوری اسلامی و میهن اسلامی» دفاع کنند (روزنامه انقلاب اسلامی ۱ شهریور ۱۳۵۹: ۲).

بنی‌صدر با تأکید بر اقدامات تحریک‌آمیز و مداخله‌جویانه کشورهای غربی و عراق، که به‌منظور جلوگیری از صدور انقلاب ایران صورت گرفته بود (روزنامه انقلاب اسلامی ۴ تیر ۱۳۵۸: ۴؛ بنی‌صدر ۱۳۶۷: ۷۰)، دو دلیل عمده را در شعله‌ور شدن آتش جنگ مطرح می‌کند که در هر دو آن‌ها نشانه‌هایی از فضای ملتهب و پرتنش آن دوره را می‌توان یافت:

۱. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صدام موسی اصفهانی، نوه آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، را جهت دل‌جویی از امام خمینی نزد ایشان فرستاد تا نسبت به رفتار حکومت پیشین عراق با امام در زمان تبعیدشان در نجف عذرخواهی کند. امام در پاسخ اعلام کرد که هدف صدام کسب مشروعیت است، چراکه عمر رژیم بعث رو به پایان است. بنابراین، از سوی ایران، اجازه برقراری روابط حسنه میان دو کشور داده نشد (خشت خام ۱۳۹۶). شایان ذکر است که برخی از اطرافیان امام خمینی وجود این ملاقات را رد می‌کنند (فردوسی‌پور ۱۳۹۰: ۱۵۶)؛ و از آن‌جاکه موسی اصفهانی پیش از وقوع انقلاب در گذشته است می‌توان این ادعای بنی‌صدر را با تردید نگریست.

۲. مهم‌ترین مسئله‌ای که به ورود دولت ایالات متحد آمریکا به رقابت‌ها و درگیری‌های منطقه خلیج فارس و در نهایت برافروختن آتش جنگ منجر شد مسئله حمله دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸/۴ نوامبر ۱۹۷۹ م و به‌گروگان‌گرفتن کارمندان سفارت بود. این اقدام به مذاکراتی میان مقامات آمریکایی با وساطت عربستان سعودی با صدام حسین در بغداد منجر شد. صدام ازسویی با تشویقات و تحریکات آمریکا و ازسوی دیگر به‌گمان این‌که فرصت تاریخی جهت تجدید حیات امپراتوری عباسیان را به‌دست آورده است جنگ را آغاز کرد (خشت خام ۱۳۹۶).

شایان ذکر است که برخی ازجمله حسن حبیبی نماینده تهران در دور اول مجلس شورای اسلامی معتقد است که جنگ عراق علیه ایران سال‌ها پیش از وقوع انقلاب اسلامی آغاز شده بود و آن زمانی بود که امام خمینی در تبعید نجف به‌سر می‌برد و حکومت عراق به اعمال فشار علیه ایشان می‌پرداخت (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۰ مهر ۱۳۵۹: ۳). باوجود این‌گونه تحلیل‌ها و نظرها، باید گفت که این جنگ دارای ریشه‌های تاریخی بوده است؛ یکی از ریشه‌های اساسی آن اختلافات مرزی بین دو کشور است که براساس آن، همواره تنش‌هایی بین طرفین به‌وجود

می‌آمد. این اختلافات، که از دوره عثمانی آغاز شد، زمینه را برای شکل‌گیری حدود ۱۷ معاهده بین دو کشور فراهم ساخته بود که نخستین آن‌ها در سال ۱۶۳۹ م و آخرین آن در سال ۱۹۷۵ م بین دو طرف منعقد گردید (Swearingen 1988: 408-411). بهانه اصلی صدام از حمله به ایران نیز همین اختلافات مرزی بود که در نهایت در قالب ردّ توافق ۱۹۷۵ م صورت پذیرفت. با این حال، گذشته از اختلافات مرزی و تاریخی، که بین ایران و عراق وجود داشت، بسیاری از محققان به انگیزه‌ها و دلایل دیگری درخصوص حمله عراق به ایران اشاره می‌کنند که عمده آن‌ها را می‌توان شامل بازی قدرت‌های بزرگ در عصر جنگ سرد، برهم‌خوردن وضعیت موازنه‌ای در منطقه پس از سقوط محمدرضا شاه پهلوی، ترس از صدور انقلاب اسلامی ایران، و هم‌چنین جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک (Geopolitic) صدام حسین مبنی بر تصاحب حوزه‌های نفت‌خیز خوزستان و خلیج فارس دانست.

دست‌رسی عراق به خلیج فارس و خوزستان ایران، که از منظر فرهنگی-جغرافیایی با سرزمین‌های عراق هم‌خوانی داشت و از منظر اقتصادی نیز به دلیل وجود ذخایر نفت مزیت‌های قابل‌توجهی برای دولت عراق در بر داشت، از مهم‌ترین انگیزه‌های ژئوپلیتیکی صدام جهت حمله به ایران بود. صدام حسین بارها ادعای سرزمینی عراق نسبت به حوزه‌های شط‌العرب و خوزستان را ابراز داشته بود. از نظر او، این مناطق به عراق تعلق داشته و دولت ایران آن را با زور تصاحب کرده است، و لذا رسالت او بازپس‌گیری این مناطق از دست رفته است (Chubin and Zabih 1974: 188؛ نجف‌پور ۱۳۹۸: ۱۴۳-۱۴۴). یکی دیگر از انگیزه‌های اساسی وی جهت تهاجم به ایران تغییرات ایدئولوژیک ناشی از انقلاب اسلامی ایران بود که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک حکومت جدید در ایران بود که ثبات داخلی عراق را تهدید می‌کرد. حکومت جدید ایران، برخلاف سلطنت سکولار قومی-ناسیونالیستی پهلوی، به الگویی برای انقلابیون اسلام‌گرا تبدیل شد که براساس آن گروه‌های شیعی به دنبال سرنگونی رژیم‌های موجود بودند (روزنامه انقلاب/اسلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۹: ۳۳۴). به همین خاطر بود که طه یاسین رمضان، معاون نخست‌وزیر عراق، در آن زمان صراحتاً نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران را مهم‌ترین هدف دولت عراق دانست و توافق ۱۹۷۵ م را صرفاً بهانه‌ای در این مسیر در نظر گرفت. وی در این زمینه اظهار داشت: «این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چندصد کیلومتر خاک و یا نصف شط‌العرب نیست. این جنگ به خاطر رژیم جمهوری اسلامی است» (جوادی‌پور و دیگران ۱۳۷۲: ۴۱؛ جبلی و منصوری ۱۳۸۸: ۶۴).

درمجموع، می‌توان گفت برهم‌خوردن سیستم موازنه‌ای (balance of power system) بین ایران و عراق، که در دوره پهلوی ایجاد شده بود، نیز از دلایل و انگیزه‌های صدام حسین جهت حمله

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۹۵

به ایران بود (روزنامه/انقلاب/اسلامی ۲۷ مهر ۱۳۵۹: ۴؛ پارسادوست ۱۳۶۵: ۱۸۰-۱۸۵). آنتونی کوردسمن نیز در کنار عوامل مختلف در شکل‌گیری حمله عراق به ایران اضافه می‌کند که عراق تضعیف ایران در نتیجه انقلاب را فرصتی یافت تا از آن برای اثبات برتری خود در منطقه سود ببرد (Cordesman 1990: 3-4). شایان ذکر است قبل از سال ۱۹۷۹ م، رقابت بین ایران و عراق با تسلط ایران به هریک از شاخص‌های قدرت مشخص شده بود. ایران در آن زمان دارای جمعیت و اقتصادی بیش از سه برابر عراق و ارتشی بیش از دو برابر ارتش صدام بود. علاوه بر این، جغرافیا به ایران عمق استراتژیک لازم را اعطا کرده بود، چراکه رشته‌کوه‌های زاگرس، که ایران را از عراق جدا می‌کند، از مزایای استراتژیک ایران محسوب می‌شد، در حالی که مراکز جمعیتی عراق در دشت بین‌النهرین قرار داشتند و آن‌ها را در برابر حمله ایران آسیب‌پذیرتر می‌ساختند (Nelson 2018: 247-250). این وضعیت پس از انقلاب به‌طور کامل متحول شد و در چنین شرایطی صدام از فرصت لازم استفاده کرد و تلاش داشت که از طریق جنگ، موازنه برهم‌خورده را تثبیت کند. گفتنی است در این باره بسیاری نیز معتقدند که به‌هم‌خوردن سیستم دوستونی نیکسون-کسینجر (Nixon/Kissinger Doctrine)، که ایران را به یک موازنه‌گر قوی در منطقه تبدیل کرده بود، زمینه را برای تهاجم عراق به ایران فراهم ساخت (درودیان ۱۳۹۴: ۱۵).

۶. دلایل وقوع جنگ از منظر روزنامه/انقلاب/اسلامی

نگرش روزنامه/انقلاب/اسلامی به جنگ ایران و عراق و علل وقوع آن از تفکرات ملی-مذهبی مدیران و اهداف و نگرش سیاسی کلان روزنامه نشئت می‌گرفت. همان‌طور که بیان داشتیم، از اهداف اصلی روزنامه/انقلاب/اسلامی تفسیر متعادل از دین و در عرصه سیاست خارجی نیز اصل موازنه منفی، که مورد توجه دکتر محمد مصدق قرار داشت، به‌عنوان نقشه راه سیاست کشور در عرصه بین‌المللی بود. با چنین دیدگاهی، روزنامه/انقلاب/اسلامی نیز جنگ ایران و عراق را در قالب مؤلفه‌های ملی-مذهبی از یک سو و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و سیاست قدرت از سویی دیگر تفسیر کرد و دلایل مختلفی را برای حمله عراق به ایران برشمرد. به‌طور کلی، روزنامه/انقلاب/اسلامی دلایل وقوع جنگ را در قالب دو مؤلفه بازتاب داده است. این دو مؤلفه شامل منافع و خواسته‌های حزب بعث عراق و صدام حسین از یک سو و توطئه قدرت‌های بزرگ و در رأس همه آن‌ها آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر است (روزنامه/انقلاب/اسلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ روزنامه/انقلاب/اسلامی ۱۳ مهر ۱۳۵۹). در ادامه این بخش با الهام از محتوای

روزنامه انقلاب اسلامی و به‌خصوص دیدگاه‌های ابوالحسن بنی‌صدر این دو مؤلفه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۶ منافع و خواسته‌های حزب بعث عراق

۱.۱.۶ انسجام داخلی و مقابله با چالش‌های حزب بعث

روزنامه انقلاب اسلامی تلاش صدام حسین به‌منظور انسجام داخلی و تقویت حزب بعث در داخل عراق و تأمین منافع و خواسته‌های آن حزب را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل حمله عراق به ایران ذکر کرده است. طبق تحلیل‌های صورت گرفته به‌وسیله روزنامه و مدیران آن به‌خصوص بنی‌صدر، صدام در جهت سرپوش نهادن به مشکلات داخلی خود به‌خصوص اختلافات قومی-مذهبی داخلی به یک جنگ بیرونی توسل جست، تا از این طریق با قراردادن ناسیونالیسم ایرانی در برابر ناسیونالیسم عربی، وحدت داخلی عراق را شکل دهد (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ روزنامه انقلاب اسلامی ۴ تیر ۱۳۵۸: ۴). روزنامه انقلاب اسلامی در این زمینه تشریح کرده است که شخص صدام نیز خود بارها بر این مسئله تأکید ورزیده بود، ازجمله این‌که در اجلاس مشترک سندیکای پزشکان بین عراق و سوریه اظهار کرده بود: «ارتش ما برای اعراب علیه بیگانگان به هر رنگی که باشد خواهد بود. اقتصاد ما برای اعراب است». روزنامه انقلاب اسلامی تفسیر کرده است که شعارهای نژادپرستانه حزب بعث عراق دقیقاً ترجمه شعارهای آلمان هیتلری مبنی بر یک ملت برای نژاد بشریت بود. در این چهارچوب، حمله صدام به ایران نه‌تنها می‌توانست زمینه را برای وحدت ملی و انسجام داخلی عراق فراهم سازد، بلکه امکان تقویت و قدرت بیش‌تر حزب بعث را نیز فراهم می‌آورد. طبق استدلال این روزنامه، صدام نیز همانند هیتلر در تلاش بود تا از طریق حمله خارجی زمینه کسب مشروعیت و پذیرش داخلی را به‌دست آورد (همان). در جهت اهداف عراق، کشورهای عرب به‌خصوص عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس نیز، در پی واهمه از شعارها و آرمان‌های انقلاب ایران، در حمایت از عراق برخاستند و در طی دوران جنگ نیز از هیچ کمکی دریغ نکردند.

۲.۱.۶ مقابله با تهدیدات ناشی از انقلاب ایران

طبق دیدگاه روزنامه انقلاب اسلامی، نگرش اهل تشیع ایران، که انقلاب اسلامی نیز از آن تغذیه کرده بود، درکنار هویت ایرانی آن زمینه را برای وحشت بیش‌تر صدام فراهم ساخته بود،

چراکه عراق نیز از جمعیت تشیع برخوردار بود که می‌توانستند با سیاست ایران هم‌خوانی داشته باشند. طبق استدلال روزنامه/انقلاب/سلامی، از آن‌جاکه جمعیت شیعیان عراق در شهرهای بزرگی هم‌چون سامرا، کوفه، کربلا، و کاظمین وجود داشت، لذا طبیعی بود که دولت عراق از این جمعیت، که طرف‌دار حکومت ایران بودند، واهمه داشته باشد (روزنامه/انقلاب/سلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴). طبق اظهارات علی‌اکبر دهقان، نماینده تربت جام در مجلس شورای اسلامی در جلسه ۶ مهر ۱۳۵۹، عراق در حال سقوط و اضمحلال است و از صدور انقلاب ایران هراس دارد (روزنامه/انقلاب/سلامی ۷ مهر ۱۳۵۹: ۲). در تأیید این اظهارات، عباس حیدری، نماینده بوشهر، بیان داشت که باتوجه‌به نزدیک‌شدن حکومت بعث عراق به سقوط، آمریکا با تحریک صدام به جنگ می‌خواهد که از افتادن سلاح‌ها به‌دست مردم آن کشور جلوگیری کند تا مبادا در آینده از آن سلاح‌ها علیه اسرائیل به‌کار گرفته شود (روزنامه/انقلاب/سلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ موسوی‌نیا ۱۳۸۹: ۲۰۶؛ مسعودی ۱۳۸۸: ۱۵). هم‌چنین، بنابر گزارش روزنامه/الوطن چاپ کویت، عراق و عربستان روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تدابیر امنیتی برای مقابله با انقلاب اسلامی را در دستور جلسه کنفرانس عالی کشورهای خلیج فارس قرار دادند. میتران، رئیس حزب سوسیالیست فرانسه، پیش‌بینی کرد خیزش‌هایی از نوع انقلاب ایران در کشورهای هم‌جوار روی خواهد داد. مناخیم بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اظهار داشت موجی از اسلام تعصب‌آمیز در خاورمیانه شیوع پیدا خواهد کرد (خلاصه روزشمار جنگ ۱۳۷۵: ۱۱۲۰). آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در این‌باره اذعان داشت که جنگ را عراق به‌منظور جلوگیری از صدور انقلاب آغاز کرد، زیرا این کشور از جهاتی شرایطی مشابه وضع گذشته ایران در زمان حکومت پهلوی را داشت (روزنامه اطلاعات ۸ مهر ۱۳۵۹: ۳).

بر این اساس، دولت عراق به‌منظور حفظ سیطره داخلی خود به یک سیاست خارجی تهاجمی متوسل شد و اقدامات خشونت‌آمیز و تجزیه‌طلبانه عراق نسبت به شیعیان ایرانی نیز به همین دلیل بوده است. طبق دیدگاه روزنامه/انقلاب/سلامی، نمونه حمایت‌های عراق از خوزستان و تحریک اعراب و هم‌چنین کشتار شیعیان عراقی از جمله محمدباقر صدر بیان‌گر این است که دولت عراق به‌زعم صدام از به‌خطرافتادن بقای اعراب در برابر انقلاب ایران ترسیده بود (روزنامه/انقلاب/سلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴). دولت عراق، که احساس می‌کرد حکومت ایران با وقوع انقلاب تضعیف شده است، تلاش کرد همان برنامه‌ای را برای ایران اجرا کند که صهیونیست‌ها در سال ۱۹۶۷ م علیه اعراب اجرا کرده بودند (روزنامه/انقلاب/سلامی ۵ مهر ۱۳۵۹: ۱؛ روزنامه/انقلاب/سلامی ۹ مهر ۱۳۵۹: ۱). روزنامه/انقلاب/سلامی درخصوص تلاش دولت عراق به‌منظور سرنگونی انقلاب ایران این‌گونه اظهار کرده است:

خصائل آزادی خواهانه، مردمی، و عدالت جویانه انقلاب اسلامی ایران سبب شد که دولت بعث عراق پیروزی و تداوم این انقلاب را به مثابه خطری جدی و حیاتی برای بقا و استمرار موجودیت ظالمانه خود تلقی نماید. از همین روست که رژیم عراق از بدو پیروزی انقلاب ایران و به ویژه در یک سال اخیر در جهت تضعیف اساس جمهوری اسلامی از صرف مساعی پنهان و آشکار فروگذار نکرده است. ابتدایی ترین و متداول ترین نمونه این بذل مساعی در خوزستان و کردستان مساعدت و معاضدت با عناصر و گروه های منحرف و ضدانقلابی است که بر اجرای مفاد توطئه امپریالیسم و صهیونیسم برضد انقلاب ایران کمر بسته اند (روزنامه انقلاب اسلامی ۳ مهر ۱۳۵۹: ۱).

۲.۶ نقش قدرت های خارجی (آمریکا و اسرائیل)

روزنامه انقلاب اسلامی نقش قدرت های بزرگ به خصوص آمریکا را در بروز جنگ حائز اهمیت می داند، چراکه معتقد است این کشور به دنبال اهداف متعددی در وقوع جنگ ایران و عراق بود که یکی از آن ها حمایت از متحد اصلی خود یعنی اسرائیل است. نشریات خارجی نیز به اتحاد آمریکا و اسرائیل جهت نابودی انقلاب ایران اذعان داشتند، از جمله القیس چاپ کویت نوشت آمریکا از کشورهای خلیج فارس تقاضای تشکیل فرمان دهی یک پارچه جهت مقابله با انقلاب ایران را کرد. بگین، نخست وزیر اسرائیل، نیز خواستار همکاری نظامی همه جانبه آن کشور با آمریکا به منظور حفظ ثبات و امنیت خاورمیانه بود (خلاصه روزشمار جنگ ۱۳۷۵: ۱۱۲۰). از این رو آمریکا شکل گیری یک جنگ فرسایشی را به نفع اهداف استراتژیک خود و متحدانش در منطقه می دانست (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۵ مهر ۱۳۵۹: ۴) و در این زمینه آورده است:

در این مسیر نقش ایالات متحده، که تلاش داشت با شکل دهی به تهاجم علیه ایران اذهان عمومی را از مقابله با اسرائیل دور سازد، نیز قابل توجه است و آمریکا از طریق تحریک اعراب علیه ایران به دنبال ایجاد یک جنگ فرسایشی بود (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴).

این روزنامه در شماره های بعدی خود بر مسئله جنگ فرسایشی تأکید دارد و از آن به عنوان یکی از انگیزه های اساسی آمریکا به عنوان تأمین منافع خاص خود در منطقه یاد کرده است. در واقع، طبق این استدلال، آمریکا به دنبال تضعیف دو نیروی قدرت مند منطقه از طریق ورود آن ها به یک جنگ هشت ساله بود تا از این طریق منافعی در خطر نیفتد (همان). در شماره های مختلف خود نیز به نقش آمریکا در آغاز جنگ با هدف سرنگونی انقلاب ایران اشاره کرده

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۹۹

است. برای نمونه، در شماره ۳۸۱ به‌طور مستقیم تأکید می‌کند: «ایالات متحده آمریکا آن‌چه در توان دارد انجام خواهد داد تا انقلاب اسلامی ایران را تضعیف کند» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۱ مهر ۱۳۵۹: ۴).

بنابراین، روزنامه انقلاب اسلامی نابودی انقلاب ایران را از دیگر دلایل دخالت آمریکا در این جنگ عنوان کرده است و طبق بیانات بنی‌صدر، که در روزنامه انتشار یافت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به‌منظور تضعیف حکومت نوپای ایران این کشور را به‌سمت منازعات داخلی و خارجی سوق داد و اقدامات دولت عراق نیز در این مسیر قابل‌فهم بود (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۹ تیر ۱۳۵۹: ۱۲). آیت‌الله علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران، در سال ۱۳۶۱ در این زمینه اظهار می‌دارد:

ازجمله عواملی که برای به‌زانو درآوردن انقلاب‌ها در دنیا به‌کار می‌رود حمله داخلی و خارجی است. انقلاب‌ها درمقابل حملات خارجی شکننده‌اند، به‌نحوی که یا اصل انقلاب از بین می‌رود، یا از انقلابی‌بودن دست برمی‌دارند و با پناه‌بردن به قدرت‌ها تسلیم می‌شوند (مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ایران ۱۳۶۱-۱۳۶۲: ۱۱۸).

هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع در این زمینه می‌گوید:

شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود و از آن‌رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب ناراضی بودند غرب، که بیش‌ترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود می‌دانست و باید در ایران شرایطی به‌وجود آید که دیگران ناامید شوند (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۶).

بنی‌صدر نیز در این زمینه دیدگاهی مشابه روحانیت و جناح مقابل را داشت و معتقد بود سقوط شاه اگرچه از نظر نظامی به‌نفع عراق بود، اما از لحاظ رشد جنبش‌های اسلامی و شیعی به‌ضرر این کشور تمام شد، و لذا برای رهبران این کشور چندان خوش‌آیند نبود (روزنامه انقلاب اسلامی ۴ تیر ۱۳۵۸: ۴؛ بنی‌صدر ۱۳۶۷: ۷۰). وی در کرمانشاه نیز پیش از آغاز جنگ، طی سخنرانی خود، مستقیم به نقش آمریکا در تحریک عراق علیه ایران اشاره می‌کند:

بیش‌تر امید ما این است که سربازان و افسران عراقی رژیم بعث را نپذیرند و برای سرنگونی آن بکوشند، صف‌آرایی مسئله مهمی نیست. سرباز عراقی به‌روی سرباز مسلمان و برادر مسلمان خودش نمی‌ایستد. ما نه توقعی در عراق داریم و نه می‌خواهیم ذره‌ای از خاک آن را

بگیریم. ما هیچ از این برنامه و هدف‌ها نداریم. این یک رژیم فاسدی است که به تحریک آمریکایی‌ها برای ما بازی درمی‌آورد (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۴ شهریور ۱۳۵۹: ۱-۲).

رئیس‌جمهور وقت ایران در نخستین روز جنگ نیز طی سخنرانی خود، که از رادیو پخش شد، هر سه مؤلفه مذکور یعنی تلاش برای نابودی انقلاب ایران و حمایت‌های اسرائیل و آمریکا از عراق را به عنوان دلایل اصلی تجاوز آن کشور علیه ایران مطرح کرد. وی تأکید داشت که دولت ایران تلاش کرد تا جای ممکن از جنگ بپرهیزد، ولی از آن‌جاکه حکومت عراق «در تابعیت کامل از ابرقدرت آمریکا» گام برمی‌دارد و هدفی جز صدمه به انقلاب ایران ندارد، متعاقباً نیروهای نظامی ایران نیز راهی جز دفاع از خود نخواهند داشت (روزنامه انقلاب اسلامی ۱ مهر ۱۳۵۹: ۲).

طبق گزارش روزنامه انقلاب اسلامی، بنی‌صدر در دیدار با برخی از سفرای کشورهای اسلامی چند روز پس از آغاز جنگ به نقش آمریکا در این منازعه اشاره کرد و افزود که این جنگ برخورد قدرت‌های بزرگ با انقلابی است که نظام سیاسی ایران را از اختیار آن‌ها خارج ساخته بود. وی هم‌چنین در بخش دیگری از سخنان خود در این نشست اظهار کرده بود که این توطئه‌ای است که نه تنها آمریکا در آن نقش دارد، بلکه عامل اصلی ایجاد آن به حساب می‌آید (روزنامه انقلاب اسلامی ۳ مهر ۱۳۵۹: ۱). بنی‌صدر در سخنرانی دیگر خود که در روزنامه انقلاب اسلامی انتشار یافته است متذکر شد: «دولت عراق دولتی نیست که بتواند فکر تجاوز را در تنهایی به کله بیاورد. ناگزیر اقدام او به دولت‌های بزرگ و نیمه‌بزرگ ربط دارد» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲ مهر ۱۳۵۹: ۱۱).

درباره واهمه اسرائیل نسبت به انقلاب ایران، علاوه بر نگرانی از تشکیل حکومت شیعی و انقلابی که می‌توانست الهام‌بخش سایر کشورها باشد، باید به حمایت‌های مادی و معنوی مبارزان ایرانی در قبال فلسطینیان، که از سال‌های قبل شروع شده بود، اشاره کرد (رجایی ۱۳۹۹: ۱۴۲-۱۴۶) که به دنبال ورود یاسر عرفات، به عنوان نخستین شخصیت خارجی که با امام خمینی در تهران بعد از پیروزی انقلاب دیدار داشت، این نگرانی‌ها از سوی کشورهای دیگر از جمله اسرائیل دوچندان شد و در ورود آن کشور در حمایت از عراق در طول جنگ نمود پیدا کرد. بنابراین، روزنامه انقلاب اسلامی نقش اسرائیل را نیز در جنگ ایران و عراق و تحریک صدام حسین برجسته می‌سازد و اظهار می‌کند که نقش اسرائیل در این جنگ از این‌رو بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران عامل بسیار مؤثری محسوب می‌شد که مواضع را به نفع کشورهای نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، سازمان مقاومت فلسطین، و در کل کشورهایی که در خط مبارزه علیه

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۱۰۱

اسرائیل بودند تقویت می‌کرد (روزنامه/انقلاب/سلامی ۱۴ مهر ۱۳۵۹: ۱). در تأیید اظهارات فوق می‌توان به گزارش هفته‌نامه ساندی تایمز (Sunday Times) اشاره کرد که آمده است استراتژی اسرائیل و برخی از کشورهای عربی تأمین منابع مالی و نظامی علیه ایران بود که «ادامه جنگ را تضمین کنند»؛ از این رو اسرائیل از بی‌ثباتی در جهان عرب خوشنود بود (Sunday Times 31 July 1922).

محمد جعفری در یکی از مقاله‌های خود دلایل مقابله اسرائیل با انقلاب ایران را حمایت‌های همه‌جانبه انقلاب ایران از تمامی نهضت‌های رهایی‌بخش دانست که پیرو این سیاست نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت اسرائیل در ایران برچیده شد و در عوض سفارت فلسطین دایر گشت. این درحالی است که

شاه سابق سیاستش در بین کشورهای مسلمان حمایت همه‌جانبه از دست‌نشانندگان آمریکا نظیر سادات و شاه حسین و غیره بود، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را حمایت از کشورهای نسبتاً مستقل و آزاد قرار داده و روابط خود را با این کشورهای برادر برقرار کرده و گسترش داده است (روزنامه/انقلاب/سلامی ۱۹ مهر ۱۳۵۹: ۱، ۱۲).

۷. نتیجه‌گیری

روزنامه/انقلاب/سلامی به دلیل این‌که در اوایل انقلاب به‌وسیله ابوالحسن بنی‌صدر و هم‌فکرانش انتشار می‌یافت و از آن‌جاکه انتشار آن هم‌زمان با آغاز جنگ ایران و عراق بود و هم‌چنین بنی‌صدر اندکی بعد پست ریاست‌جمهوری و فرمان‌دهی کل قوا را برعهده داشت، از منابع مهم جهت بررسی مسائل مربوط به آغاز جنگ ایران و عراق است. این روزنامه بر مسئله جنگ ایران و عراق تمرکز ویژه‌ای داشت و این موضوع را در ابعاد مختلف بازتاب می‌داد. از جمله مسائلی که در این خصوص موردتوجه دست‌اندرکاران روزنامه قرار گرفته بود، دلایل جنگ و انگیزه‌های دولت عراق از حمله به ایران بود که در این پژوهش موردبحث و بررسی قرار گرفت. روزنامه/انقلاب/سلامی به‌طور کلی درباره دلایل وقوع جنگ ایران و عراق به دو مسئله اساسی اشاره کرده است که شامل منافع و خواسته‌های دولت عراق از یک‌سو و توطئه و منافع قدرت‌های بزرگ و در رأس آن ایالات متحد آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر است. طبق استدلال روزنامه/انقلاب/سلامی، دولت عراق در جهت منافع حزب بعث و به‌منظور ایجاد یک‌پارچگی داخلی و چالش‌ها و تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی ایران به یک حمله خارجی نیازمند بود و اقدام صدام علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در این جهت صورت پذیرفت.

درمورد مؤلفه دوم نیز روزنامه/انقلاب/اسلامی بارها به نقش اسرائیل و آمریکا اشاره کرده و این دو کشور را از عاملان اصلی تحریک صدام به منظور راه اندازی جنگ علیه ایران قلمداد کرده است. از این منظر، آمریکا و اسرائیل به دلیل مبانی انقلابی سیاست خارجی ایران، که برضد منافع دو کشور به شمار می آمد، و نگرانی هایی که همواره از همراهی انقلابیون ایران با بلوک شرق و شوروی داشتند، یک جنگ تمام عیار را علیه ایران به راه انداختند. تمامی این عوامل را به وفور می توان در آثار بنی صدر و اطرافیان وی از جمله محمد جعفری، که سردبیر روزنامه بود، مشاهده کرد. با این حال، همان طور که پیش تر اشاره شد، دلایل دیگری نیز در شکل گیری جنگ همواره از سوی رسانه ها و پژوهشگران مطرح شده است که روزنامه/انقلاب/اسلامی آن ها را در بروز این منازعه چندان اثرگذار نمی داند و به ندرت به آن ها می پردازد که به طور نمونه می توان به اختلافات مرزی که از دوره عثمانی همواره بین دو کشور وجود داشت اشاره کرد. افزون بر این، واهمه عراق از همراهی جمهوری اسلامی با کردهای عراق که پیش از این سابقه حمایت رژیم پهلوی از آن ها وجود داشت و در پایان نیز می توان به ادعای مالکیت عراق بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی که در برافروختن آتش جنگ مؤثر بود اشاره کرد.

کتاب نامه

- بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع: مقالات ارائه شده به کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع (۱۳۶۷)، ج ۱، تهران: کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع.
- برزگر، علی (۱۳۹۷)، روزشمار جنگ تحمیلی، تهران: سروش.
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۶۰)، خیانت به امید، پاریس: انقلاب اسلامی.
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۶۷)، سیر تحول سیاست آمریکا در ایران (کتاب اول: آمریکا و انقلاب)، پاریس: انقلاب اسلامی.
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۰)، درس تجربه، به کوشش حمید احمدی، برلین: انقلاب اسلامی.
- بنی صدر، فیروزه (۱۳۸۵)، نامه ها از آقای بنی صدر به آقای خمینی و دیگران، فرانکفورت: انقلاب اسلامی.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۵)، زمینه های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی.
- جعفری جبلی، علی و مجید منصوری (۱۳۸۸)، تقویم تاریخ دفاع مقدس نـاـجا، تهران: دفتر پژوهش های نظری و مطالعات راهبردی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمد (بی تا)، «پیش گفتاری بر در اختیار عموم قرار گرفتن کامل روزنامه/انقلاب/اسلامی»، وبسایت روشن بخشی، دریافت شده در ۲۸ آبان ۱۴۰۱: <<http://www.roushanbakhshi.com>>.

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح تونکار) ۱۰۳

- جعفری، محمد (۱۳۸۳)، *پاریس و تحول انقلاب ایران از آزادی به استبداد*، فرانکفورت: برزاوند.
- جعفری، محمد (۱۳۸۸)، *ده سال با اتحادیه در آلمان: وضعیت مبارزین مسلمان خارج از کشور به‌هنگام ورود آقای خمینی به پاریس*، فرانکفورت: برزاوند.
- جعفری، محمد (۱۳۸۹)، *روزنامه انقلاب اسلامی در مسیر تاریخ*، برلین: برزاوند.
- جوادی‌پور، محمد، علی نیکفرد، و یعقوب حسینی (۱۳۷۲)، *نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس*، ج ۱، تهران: سازمان عقیدتی ارتش.
- خشت خام (۱۱ تیر ۱۳۹۶)، *مصاحبه حسین دهباشی با سیدابوالحسن بنی‌صدر*، فصل دوم، نوبت ۲۵.
- خلاصه روزشمار جنگ، جلد ۱: *تأسیس نظام جدید* (۱۳۷۵)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقاتی جنگ.
- درویان، محمد (۱۳۹۶)، *سیری در جنگ ایران و عراق*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- رجایی، الهام (۱۳۹۹)، *محافل خیریه غیردولتی و نهضت امام خمینی*، تهران: سوره مهر.
- رئیس طوسی، رضا (۱۳۷۳)، «استراتژی آمریکا، تضعیف توان ملی ایران»، *ایران فردا*، س ۳، ش ۱۶.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۵۹/۷/۸)، ش ۱۶۲۵۰.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۸/۳/۲۹)، ش ۱.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۸/۴/۴)، ش ۶.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۶/۲۴)، ش ۳۵۳.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱)، ش ۳۵۹.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۲)، ش ۳۶۰.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۳)، ش ۳۶۱.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۵)، ش ۳۶۲.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۷)، ش ۳۶۳.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۹)، ش ۳۶۵.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱۰)، ش ۳۶۶.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱۳)، ش ۳۶۸.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱۴)، ش ۳۶۹.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱۵)، ش ۳۷۰.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۱۹)، ش ۳۷۳.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۲۱)، ش ۳۷۵.
- روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۵۹/۷/۲۲)، ش ۳۷۶.

۱۰۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

روزنامه/تغیاب/اسلامی (۱۳۵۹/۷/۲۳)، ش ۳۷۷.

روزنامه/تغیاب/اسلامی (۱۳۵۹/۷/۲۷)، ش ۳۸۰.

روزنامه/تغیاب/اسلامی (۱۳۵۹/۹/۱۷)، ش ۴۴۵.

روزنامه/تغیاب/اسلامی (۱۳۶۰/۳/۱۸)، ش ۵۵۶.

صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، ج ۱۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

فردوسی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۰)، *خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی‌پور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

کارنامه توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس (۱۳۸۲)، تدوین علی سلیمی، تهران: نسل کوثر.

مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ایران، سال ۱۳۶۱-۱۳۶۲ (۱۳۹۶)، تهران: سروش.

مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی ۱۳۶۰/۳/۲۶؛ ۱۳۶۰/۳/۳۱.

نجف‌پور، مجید (۱۳۹۸)، «اختلافات مرزی ایران و عراق و تأثیر آن بر جنگ تحمیلی»، فصل‌نامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره ۸، ش ۲، پیاپی ۲۹، ۱۲۵-۱۵۱.

Chubin, S. and Z. Sepehr (1974), *The Foreign Relations of Iran*, Berkeley: University of California Press.

Cordesman, A. and A. R. Wagner (1990), *The Lessons of Modern War: The Iran-Iraq*, Boulder, CO and San Francisco, CA: Westview Press.

E. Nelson, C. (2018), "Revolution and War: Saddam's Decision to Invade Iran", *Middle East Journal*, vol. 72, no. 2.

Iran-Iraq War (2022), *Britannica Website*, Retrieved July 2 2022, From: <<https://www.britannica.com/biography/Qassem-Soleimani>>.

Swearingen, D. S. (1988), "Geopolitical Origins of the Iran-Iraq War", *Geographical Review*, vol. 78, no. 4.

Sunday Times (31 July 1922).

Washington Post (5 October 1980).